

Challenges of Convergence between Iran and the Kurdistan Region in the Shadow of Israeli Influence in the Region

Hassan Aliyari^{1*}, Meysam Daneshvar²

Received: 2025/04/02

Accepted: 2025/08/23

Research Article

Abstract

The growing relations between the Zionist regime and the Kurdistan Region of Iraq, especially in the security and intelligence fields, have caused geopolitical concerns for the Islamic Republic of Iran. These interactions can affect the convergence or divergence of Erbil with Tehran and change regional equations. Accordingly, this research seeks to answer the question: What role do the relations of the Kurdistan Region of Iraq with the Zionist regime play in the convergence of this region with Iran? (Research Problem) This. The research has attempted to analyze the various dimensions of these relations and their impact on bilateral interactions using a descriptive-analytical method, drawing on library resources and geopolitical analyses, as well as Stephen Walt's balance of threat theory. (Research Methodology) The findings show that the intelligence and security presence of the Zionist regime in the Kurdistan Region, especially in the military and technological fields, the security problems created in the borders and cities of Iran, the strengthening and cooperation of ISIS groups and cooperation with separatist terrorists in recent years by the Zionist regime, have caused security concerns for Iran and reduced the level of mutual trust. However, the economic dependence of the Kurdistan Region on Iran, particularly in the fields of energy, trade, and transportation, continues to play a significant role in maintaining bilateral relations and remains a factor in sustaining a level of convergence. Also, Erbil's balancing policy in interactions with regional powers, including Iran, Turkey, and the Zionist regime, plays an important role in preventing complete divergence (Findings)

Keywords: Convergence, Erbil, Islamic Republic of Iran, Security problems, Zionist regime .

Aliyari, H., & Daneshvar, M. (2025). Investigating the Influence of Personality Factors of Political Elites on Foreign Policy. *Journal of Political and International Research*, 17(63), pp.83-95.

¹ Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Payam Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) aliyari@pnu.ac.ir

² Master's degree in Political Science. M.daneshvar2022@gmail.com



چالش‌های همگرایی ایران و اقلیم کردستان در سایه نفوذ اسرائیل در منطقه

حسن علی یاری^{۱*}، میثم دانشور^۲

مقاله پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱
--------------	---

چکیده

روابط فزاینده میان رژیم صهیونیستی و اقلیم کردستان عراق، به‌ویژه در حوزه‌های امنیتی و اطلاعاتی، موجب نگرانی‌های ژئوپلیتیکی برای جمهوری اسلامی ایران شده است. این تعاملات می‌توانند بر روند همگرایی یا واگرایی اربیل با تهران تأثیرگذار باشند و معادلات منطقه‌ای را دستخوش تغییر کنند. بر این اساس این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که، روابط اقلیم کردستان عراق با رژیم صهیونیستی چه نقشی در همگرایی این منطقه با ایران دارد؟ (مسئله پژوهش) این پژوهش تلاش کرده تا با تحلیل ابعاد مختلف این روابط، میزان تأثیرگذاری آن‌ها بر تعاملات دوجانبه به روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و تحلیل‌های ژئوپلیتیکی و با استفاده از نظریه موازنه تهدید استفان والت مساله مورد نظر را بررسی نموده است. (روش پژوهش) یافته‌ها نشان می‌دهند که حضور اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان، به‌ویژه در حوزه‌های نظامی و فناوری، مشکلات امنیتی ایجاد شده در مرزها و شهرهای ایران، تقویت و همکاری گروه‌های داعش و همکاری با تروریست‌های تجزیه طلب در چند سال اخیر توسط رژیم صهیونیستی، در مرزهای ایران موجب نگرانی‌های امنیتی برای ایران شده و سطح اعتماد متقابل را کاهش داده است. با این حال، وابستگی اقتصادی اقلیم کردستان به ایران، از جمله در زمینه انرژی، تجارت و حمل‌ونقل، همچنان نقش مهمی در حفظ تعاملات دوجانبه دارد و همچنان عاملی برای حفظ سطحی از همگرایی است. همچنین، سیاست موازنه‌گرایانه اربیل در تعامل با قدرت‌های منطقه‌ای، از جمله ایران، ترکیه و رژیم صهیونیستی، نقش مهمی در جلوگیری از واگرایی کامل ایفا می‌کند (یافته‌ها)

کلید واژه: رژیم صهیونیستی، همگرایی، جمهوری اسلامی ایران، اربیل، معضلات امنیتی

علی یاری؛ حسن، دانشور؛ میثم (۱۴۰۴). چالش‌های همگرایی ایران و اقلیم کردستان در سایه نفوذ اسرائیل در منطقه. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۶۳، صفحات ۸۳-۹۵.

مقدمه

نیاز به امنیت همواره مهمترین دغدغه رژیم صهیونیستی از بدو پیدایش تاکنون بوده است بر این اساس، استراتژی های مختلفی را طرح ریزی کرده است. یکی از راهبردهای امنیتی این رژیم بهره گیری از پتانسیل های بالقوه و بالفعل اقلیت های دینی و قومی در کشورهای پیرامون حوزه امنیتی بوده است این رژیم برای رها شدن از انزوا و محاصره از سوی دول عربی، در دهه ۱۹۵۰ میلادی مقدمات شکل گیری اتحاد با کشورهای پیرامونی غیر عرب مانند ترکیه، ایران و اتیوپی را پی ریزی کرد و برای گسترش روابط با این کشورها گام برداشت و به اقلیت های نهفته در کشورهای عربی نظیر مسیحیان و دروزی ها در لبنان و اکراد در سوریه و عراق توجه کرد.

با شکل گیری اسرائیل در خاورمیانه بعد از جنگ جهانی دوم، همواره این منطقه از آشوب ها و بحران های قومیتی و مذهبی در رنج بوده و امروزه این روند نیز ادامه دارد. در دهه های اخیر، منطقه خاورمیانه شاهد تحولات ژئوپلیتیکی پیچیده ای بوده که روابط میان بازیگران دولتی و غیردولتی را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. روابط اقلیم کردستان با رژیم صهیونیستی، که از جنبه های امنیتی، اقتصادی و اطلاعاتی قابل بررسی است، همواره مورد توجه تحلیل گران سیاسی بوده و پرسش هایی را درباره تأثیر این روابط بر مناسبات اربیل با همسایگانش، به ویژه جمهوری اسلامی ایران، مطرح کرده است.

موقعیت ژئوپلیتیک اربیل در ادوار مختلف بعد از صدام مورد توجه کشورهای قدرتمند در عرصه نظام بین المللی بوده است. چرا که این منطقه دارای انرژی های فسیلی قابل توجهی در درون خود است و این چیزی است که هر کشوری چه صنعتی و چه غیر صنعتی تلاش دارد همکاری های خود را در عرصه سیاست خارجی با این مناطق افزایش دهد. و یا به عبارت دیگر با هم رقابت می کنند. اقلیم کردستان عراق؛ منطقه ای با موقعیت راهبردی، منابع طبیعی غنی و نقش آفرینی فزاینده در معادلات منطقه ای. به عنوان پایگاه تلاویو بعد از سقوط صدام و رژیم بعث عراق در منطقه شده است. که تهدیدهای قابل توجهی در ادوار گذشته و آینده نیز برای جمهوری اسلامی ایران در بر داشته که بررسی دقیق آن می تواند راهبردهای قابل توجهی در اختیار دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار دهد تا برای هرگونه تهدید، آمادگی پاسخگویی و مدیریت را داشته باشیم.

پیوند ایران و کردستان عراق، فارغ از همسایگی پیوندی تاریخی، نژادی، فرهنگی و تمدنی است. واقعیتی که مقامات کردستان عراق اکنون بیش از هر زمان دیگری آن را به خوبی درک کرده اند. اما شرایط امروز خاورمیانه حکایت از اجرایی شدن نظریه "هرج و مرج سازنده"^۱ کاندولیزا رایس^۲ دارد. این نظریه تأییدی بود بر وجود یک "نقشه راه نظامی" برای خاورمیانه به ابتکار انگلیس، امریکا و اسرائیل. این پروژه، عبارت است از: ایجاد هلالی از بی ثباتی، هرج و مرج و خشونت که از لبنان، فلسطین و سوریه آغاز شده و تا عراق، ایران و مرزهای افغانستان ادامه پیدا خواهد کرد.

اسرائیل در طی سال های اخیر سعی نموده که با سرمایه گذاری بر روی بازیگران کوچک تر و ضعیف تر در منطقه، وعده های فراوان آنان را به ابزاری برای فشار به دولت های منطقه تبدیل کرده و با سواستفاده از آنان دولت های منطقه را به توقف فشار بر اسرائیل وادار کنند. در همین راستا، کردستان عراق یکی از گزینه های این طرح شوم صهیونیستی به شمار می آمد و اسرائیل سعی بر این داشت که با حضور در منطقه کردستان عراق و ارتباط با اقلیم کردستان عراق، اهرم فشاری بر ایران و عراق در مسیر محور مقاومت ایجاد کند. از طرفی ایران نیز به عنوان یکی از قدرت های منطقه ای، همواره نگاهی حساس به تحرکات رژیم صهیونیستی در پیرامون مرزهای خود داشته و روابط اربیل با تل آویو را عاملی بالقوه در تضعیف همگرایی با اقلیم تلقی کرده است. این دغدغه امنیتی که در طی دهه گذشته محور مهم ترین رایزنی های مقامات سیاسی و امنیتی ایران و عراق بود، سرانجام به توافق امنیتی ایران و عراق منجر شده و ضرب الاجل های متعددی برای مقامات عراقی و همچنین مقامات اقلیم کردستان عراق تعیین شد.

^۱ . The theory of "constructive chaos"

^۲ . Condoleezza Rice

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از نظریه موازنه تهدید استفان والت در پی آن است تا با بررسی ابعاد مختلف روابط رژیم صهیونیستی و اقلیم کردستان عراق، تأثیر این روابط را بر روند همگرایی یا واگرایی اربیل با تهران تحلیل کند و به این پرسش پاسخ دهد که آیا نزدیکی اربیل به تل‌آویو، مانعی در مسیر تعامل سازنده با ایران خواهد بود یا می‌توان در چارچوب منافع مشترک، راهبردی متوازن میان طرفین ترسیم کرد. یافته‌های پژوهش در این مقاله به شیوه ای توصیفی - تحلیلی و از منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی و مقالات مرتبط مورد سنجش قرار گرفته است.

۱-پیشینه پژوهش

در راستای تحقیق مورد نظر برخی پژوهشها را می‌توان برشمرد.

-رشید رکابیان و همکاران در سال ۱۴۰۳ در مقاله ای با عنوان روابط رژیم صهیونیستی با اقلیم کردستان عراق و چالشهای پیش روی محور ایران پرداخته این مقاله با تمرکز بر چالش‌های امنیتی، اطلاعاتی و قومی ناشی از روابط تل‌آویو با اربیل، از منظر نظریه مکتب کپنهاگ تحلیل نموده است. یافته‌های تحقیق که بر اساس نظریه مکتب کپنهاگ به دست آمده این است که، چالش‌هایی نظیر تجزیه طلبی، تقویت گروهک-های معاند در مرزهای محور مقاومت، توسعه فعالیت‌های ضد امنیتی و اطلاعاتی در منطقه، می‌باشد که با روش و هدف مقاله مورد نظر نگارندگان متفاوت است. چرا که با توجه به درگیری‌های ۱۲ روزه ما به این نتیجه دست یافتیم که گروه‌های تجزیه طلب جزئی از برنامه‌های رژیم صهیونیستی می‌باشد که تمام آن نیست.

- ینتروپ و راجرز (۲۰۲۴). "خانه پوشالی کردستان عراق و موقعیت همگرایی آن در غرب آسیا در حال فروپاشی است". نویسندگان در این مقاله به اعتماد و همکاری اقلیم کردستان عراق با تل‌آویو، عدم توجه به منافع کشورهای همسایه، عدم توجه به دولت مرکزی، کوتاهی در اوایل جنگ با داعش است. که اقلیم کردستان عراق را به سمت فروپاشی و منحل شدن سوق داده است. در این مقاله تأثیرات واگرایی اقلیم کردستان با جمهوری اسلامی ایران به دلیل همکاری کردن این منطقه با رژیم صهیونیستی مورد بررسی قرار گرفته و باعث شده است که اقلیم کردستان عراق به عنوان یک لانه جاسوسی علیه محور مقاومت و ایران تبدیل شود.

- ازهارای تیمور و حافظی پریسا (۲۰۲۴). "سپاه پاسداران به "مرکز جاسوسی" اسرائیل در عراق حمله کرده و قول انتقام بیشتر می‌دهد". در این مقاله به واکنش جمهوری اسلامی ایران به ترور سردار سلیمانی و نقش رژیم صهیونیستی در ناامن سازی مرزهای ایران اشاره شده است که سپاه پاسداران به عنوان تأثیرگذارترین نیروی نظامی تهران و محور مقاومت، مقرهای جاسوسی آن‌ها را در اقلیم کردستان عراق مورد حملات موشکی خود قرار داده است. در این پژوهش با توجه به اشتراکات قابل توجهی که با مقاله حاضر دارد اما به کشورهای عراق-سوریه و نیز نقش رژیم صهیونیستی در ناآرامی‌های داخلی محور مقاومت اشاره ای نداشته است.

- فریدون نامدار (۲۰۲۳). "کردستان عراق و شکست سرمایه‌گذاری در روابط اقلیم کردستان و اسرائیل". نویسندگان در این مقاله به بررسی سرمایه‌گذاری‌هایی که رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق انجام داده اند پرداخته است. که رژیم صهیونیستی اقلیم کردستان را به یک محیط امن به منظور تأثیرگذاری بر امنیت و مدیریت جمهوری اسلامی ایران تبدیل کرده است. و بعد اقتصادی این کار و عدم توجه به تأثیرگذاری بر همگرایی بین جمهوری اسلامی ایران و اقلیم کردستان عراق باعث وجه تفاوت و اختلاف با مقاله فعلی شده است.

-محمد رجبی در مقاله ای با عنوان روابط رژیم صهیونیستی با اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در فصلنامه روابط خارجی در سال ۱۳۹۹ با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی دکرین اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی و تأثیر آن بر امنیت ایران پرداخته است. در این مقاله نیز، همگرایی به گونه ای توصیف شده است که، گروه‌های تجزیه طلب به عنوان اهرم فشار بر جمهوری اسلامی ایران معرفی شده است با اینکه گسترده و توسعه فعالیت سرویس‌های امنیتی موساد در مرزهای تهدید بروز و تحت تأثیر هوش مصنوعی، باید به عنوان موضوع مورد تأکید به آن اشاره می‌کرد.

-نبی اله روحی در مقاله ای منتشر شده در افاق امنیت در سال ۱۳۹۳ با عنوان استراتژی رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن بر جمهوری اسلامی ایران منتشر نموده است نویسنده مورد نظر به بررسی حضور رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق، پرداخته و آن را تهدیدی برای امنیت منطقه ای و جمهوری اسلامی ایران دانسته است. که با پژوهش حاضر از نظر محتوایی به این معنا که بعد امنیتی را در اولویت کار خود قرار داده است اختلاف دارد. اما از آنجایی که روند همگرایی دو بازیگر و تاثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار داده است، باعث شده که اشتراکاتی نیز داشته باشد. نقدی که بر کار وارد است، دامنه نفوذ همگرایی دو بازیگر یاد شده را به گونه ای مورد بررسی قرار داده که اسرائیل به صورت مستقل تهدید می باشد. اما باید به همکاری تلاویو و گروه های تجزیه طلب نیز اشاره میکرد.

د ر مورد روابط بین اقلیم کردستان عراق و رژیم اشغال گر قدس مقالاتی نوشته شده است اما آنچه که باعث نوآوری و جدید بودن این کار با سایر مقالات شده توجه بر روند تاثیرگذاری رژیم صهیونیستی بر همگرایی بین اقلیم کردستان عراق و جمهوری اسلامی ایران بعد از داعش و در چند سال اخیر می باشد. پژوهش های پیشین عمدتاً به بررسی روابط اقلیم کردستان با قدرت های منطقه ای مانند ترکیه، ایران و آمریکا پرداخته اند، اما کمتر به تاثیر روابط اقلیم با رژیم صهیونیستی بر مناسبات آن با ایران توجه شده است. این مقاله درصدد است با تمرکز بر این خلأ پژوهشی، به تحلیل دقیق تری از تأثیرات این روابط بر روند همگرایی یا واگرایی اربیل با تهران بپردازد.

۲-چارچوب نظری

نظریه « موازنه تهدید^۱ » از ظرفیت مناسبی برای پرداختن به این مسئله برخوردار است. نظریه موازنه تهدید یکی از تئوری هایی است که از نظریه واقع گرایی تدافعی^۲ نشأت گرفته است. تا اواخر قرن بیستم، نظریه موازنه قوای^۳ واقع گرایان^۴ یکی از مهم ترین نظریه ها برای تبیین روابط بین دولت ها محسوب می شد. اما وقایعی نظیر فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی^۵ و پایان نظام دو قطبی^۶، تبدیل شدن ایالات متحده آمریکا به ابرقدرت مهم نظام بین الملل و نیز عدم شکل گیری موازنه در برابر آن تا اواخر قرن بیستم باعث شد تا کاربرد و قدرت تبیین نظریه موازنه قوا توسط بسیاری از نظریه پردازان روابط بین الملل مورد تردید قرار گیرد و انتقادهایی از سوی آن ها بر این نظریه وارد شود. چرا که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، با وجود تبدیل ایالات متحده به قدرت مهم بین المللی، تمایل جدی برای ایجاد موازنه بر ضد این قدرت از سوی دیگر قدرت ها مشاهده نشد (عباسی و قیاسی، ۱۳۹۲: ۱۷۷).

این عدم تحقق موازنه علیه هژمون^۷ بالقوه در مورد ایالات متحده پس از جنگ سرد^۸، یکی از متفکران مهم سنت واقع گرایی به نام استفان والت^۹ را به سوی جابه جایی نقطه تمرکز واقع گرایی از موازنه قدرت به موازنه تهدید^{۱۰} سوق داد تا بدین یاخته مخروطی به ادعای او، نکات مبهم نئو واقع گرایی روشن شود. او می گوید با این رهیافت^{۱۲} می توان این مهم را توضیح داد که چرا موازنه ائتلاف^۲ در مقطع کنونی نیز علیه ایالات متحده صورت نمی گیرد (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۱).

والت از جمله واقع گرایانی است که با طرح ایده های جدید و متفاوت از نظریه های سنتی واقع گرایی و حتی واقع گرایی ساختاری^۳ والتز^۴، سعی داشته تا پایه های این نظریه را مستحکم تر نماید. وی با نقد اصل موازنه قوا، با طرح نمودن نظریه موازنه تهدید در عمل توانسته است مباحث واقع گرایی را در حوزه امنیتی غنی تر نماید. نقطه محوری مباحث وی بررسی علت اتحادها، ائتلاف های نظامی-سیاسی^۵ باهدف ایجاد موازنه، در واکنش به احساس تهدید است. به اعتقاد وی برخلاف آنچه که فکر می شود، کشورها در مقابل افزایش قدرت سایرین دست به موازنه می زنند. در مقابل آنچه باعث حرکت کشورها به سوی

1. Threat balance

2. Defensive Realism

3. The theory of balance of power

4. Realists

3. Structural Realism

4. Waltz

5. Military-political alliances

توازن می‌گردد، میزان تهدیدی است که درک می‌کنند. زمانی که تهدیدی احساس شد کشورها یا سعی می‌کنند در مقابل آن توازن ایجاد کنند یا که به کشور تهدیدکننده ملحق شوند (ترابی، ۱۳۸۴، ۲۱).

استفان والت اظهار می‌دارد زمانی که کشوری با انتخاب‌های متعدد برای ائتلاف مواجه می‌شد، محاسبه میزان ریسک و سطح تهدید، به عنوان مهم‌ترین عامل در تصمیم‌گیری عمل می‌نماید و نه قدرت. برای مثال اگر کشوری، کشور دیگر را تهدیدی مستقیم برای بقای خود تلقی نماید، بدون در نظر گرفتن برتری قدرت نفوذ کشور هدف، تلاش خواهد کرد موازنه قدرت ۱ ایجاد کند. از طرف دیگر اگر کشوری، کشور دیگر را از هر جهتی تهدید برای بقا خود تلقی نکند، نوعاً به سمت اتخاذ راهبرد ۲ موازنه قدرت حرکت نخواهد کرد، حتی اگر کشور مورد گفتگو از برتری محسوس قدرت و نفوذ برخوردار باشد (سازمند و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۵۸-۱۵۷). بدین ترتیب موازنه تهدید نوعی از موازنه است که معتقد است ائتلاف جهت موازنه ۳ در قبال تهدیدات شکل می‌گیرد و نه صرف قدرت. تهدیداتی که می‌توان از قدرت ۴، مجاورت ۵، قابلیت‌های تهاجمی ۶ و نیت توسعه‌طلبانه تهاجمی ۷ نشأت بگیرد (لیتل، ۱۳۸۹: ۲۳).

براساس مطالب فوق اگر دیدگاهی که کنت والتز مبنی بر اینکه کشورها بیش از آنکه در پی افزایش قدرت خود باشند، به دنبال جلوگیری از افزایش قدرت دیگران و بالا بردن و حفظ جایگاه خود در نظام بین‌الملل هستند را مورد پذیرش قرار دهیم، بنابراین ایجاد ائتلاف و اتحاد و همچنین موازنه در مقابل منشأ تهدید توسط کشورها را میتوان یک راهبرد منطقی تلقی کرد. ایجاد این گونه موازنه که به صورت ائتلاف و اتحاد نمایان می‌شود به دو شکل توسط کشورها ایجاد می‌شود ۱- موازنه درون‌گرا ۸ که به معنا افزایش قدرت داخلی خود کشورها ۲- موازنه برون‌گرا ۹ که همان ائتلاف و اتحاد است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۴۰). موازنه تهدید مورد توجه واقع‌گرایان تدافعی است. بنابراین نظریه‌پردازان آن ایجاد ائتلاف و اتحاد در مقابل هر گونه تهدید به کشورها توصیه می‌کنند (هدایتی شهیدانی و مرادی، ۱۳۹۵: ۹۴).

به طور کلی باید اصول مهم و مورد تاکید در نظریه موازنه تهدید را اینگونه شرح داد: دولت‌ها در مقابل طرف‌هایی متحد می‌شوند که منشا بیشترین تهدید محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر کشورها در صدد این مسئله نیستند که در مقابل کشور دیگر ایجاد ائتلاف و موازنه کنند. بلکه دولت‌ها در صدد می‌باشند که در مقابل تهدیدی که به محض گسترش مشکل آفرین است، ایجاد موازنه و ائتلاف کنند (ایکنبری، ۱۳۸۳: ۱۹-۱۷). تهدید به میزان قدرت دولت‌ها بستگی ندارد بلکه ادراکی است که دولت‌ها در روابط خود از تهدید دارند. به نظر والت، دولت‌ها برخلاف آنچه قبلاً مرسوم بود در مقابل قدرت گرفتن یک کشور ایجاد موازنه و ائتلاف نمی‌کنند. بلکه آنچه باعث ایجاد موازنه و ائتلاف بین کشورهای می‌شود، میزان تهدید است که درک می‌کنند (walt, 1979: 132).

هر اندازه میزان تهدید درک شده بین کشورها شدیدتر باشد انگیزه دولت‌ها برای ایجاد موازنه بیشتر می‌شود. یعنی ایجاد موازنه در مقابل تهدیدهای مشترک به میزان قدرت و اندازه تهدید بستگی دارد. یکی از شرایط افزایش امنیت در نظام موازنه تهدید آن است که موازنه به وجود آمده به هنجار تبدیل شود. به این معنا که زمانی موازنه ایجاد شد، اصولی که باعث ایجاد موازنه و ائتلاف می‌شود باید به هنجار تبدیل شود. در این صورت موازنه و اتحاد ایجاد شده به اتحاد راهبردی تبدیل می‌شود (walt, 1986: 11-21).

از دیدگاه والت، تهدید از «قدرت کلی»، «مجاورت جغرافیایی»، «قدرت تهاجمی»، «نیت تجاوزکارانه» تشکیل می‌شود (walt, 1986: 11-21). این نظریه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، بیش از هر نظریه دیگر روابط ایران

۱. Balance of power

۲. Strategy

۳. Coalition for balance

۴. The power

۵. Proximity

۶. Aggressive capabilities

۷. Aggressive expansionist intentions

۸. Inner Balance

۹. Outsourcing balance

با همسایگان خود را پوشش داده است. به این صورت که، همگرایی تهران با اقلیم کردستان عراق، با وجود رژیم صهیونیستی و توسعه فعالیت و همکاری این دو، سیاست خارجی ایران را بیش از هر زمان دیگر تحت تاثیرات منفی خود قرار داده و تهران نیز به این منظور و با توجه به تهدیدهایی که تلاویو با حضور در مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران و اقلیم کردستان عراق دارد، در صدد ایجاد همگرایی با دولت مرکزی عراق و نیز ترمیم مشکلاتی است که تلاویو بین اقلیم کردستان عراق و تهران ایجاد کرده است.

به همین منظور می باشد که موازنه تهدید یک نظریه ای است که این راهبردها و تاکتیک های سیاست خارجی به منظور رسیدن به این اهداف را پوشش خواهد داد. زیرا مشکلات امنیتی ایجاد شده در مرزهای ایران، تقویت و همکاری با گروه های تجزیه طلب توسط تلاویو، ایجاد تنش در شهرهای ایران در چند سال اخیر توسط رژیم اشغال گر قدس، همچنین ایجاد مشکلات فرهنگی و تنشهای قومی در مرزهای ایران از جمله مهم ترین مباحثی می باشند که باعث تاثیرگذاری قابل توجهی بر همگرایی و یا حتی واگرایی بین ایران و اقلیم کردستان عراق در چند سال اخیر شده است. به همین منظور در ادامه به بررسی این موارد می پردازیم.

۲-۱- معضلات امنیتی رژیم صهیونیستی و همگرایی اربیل تهران

تهدیدهای سخت امنیتی حضور اسرائیل در این اقلیم تحریک احساسات قومی و نژادی، پشتیبانی از احزاب تجزیه طلب کُردی با هدف ترغیب آنان به شورش های سازمان یافته و استفاده از قابلیت نظامی این گروه ها در مناطق کُردنشین محور مقاومت می باشد. برای اسرائیل از هر جهت اهمیت دارد که با حضور در اقلیم کردستان عراق به مرزهای ایران به عنوان رهبر محور مقاومت نزدیک شود تا پایگاه های جاسوسی خود را در این اقلیم و در نزدیکی مرزهای آن ها فعال نماید (Akhavan, 2018: 26-29).

Kazemi and et.al., 2018: 26-29)

پس از شکست پروژه جدایی اقلیم کردستان از عراق در سال ۲۰۱۷ میلادی و شکست همه پرسی، رژیم صهیونیستی، این بار از باب عادی سازی روابط، وارد شده و سعی بر آن داشت تا علاوه بر کشورهای همسو با خود، با کشورهایی که با ایران روابط نزدیکی دارند وارد عمل شود تا به نوعی حلقه محاصره را علیه ایران تنگ تر کنند. رهبران کرد عراق طی چند دهه، بارها از اسرائیل دیدن کرده اند و سیاستمداران محلی آشکارا از عراق خواسته اند که روابط خود را با دولت یهود که خود از همه پرسی استقلال ۲۰۱۷ میلادی در منطقه خودمختار حمایت کرده بود، عادی سازی کند.

اقلیم کردستان عراق بعد از سقوط دولت بعث در عراق به یکی از اهداف رژیم اشغال گر قدس تبدیل شده است که تا به امروز مشکلات قابل توجهی برای محور مقاومت ایجاد کرده است. (رکابیان و همکاران، ۱۴۰۳: ۸۱) تازه ترین اطلاعات درباره تکاپوی صهیونیست ها در کردستان عراق، حاکی است که بزرگترین مجموعه جاسوسی رژیم صهیونیستی در منطقه و حتی شاید بتوان گفت در جهان، در اقلیم کردستان واقع شده است. مرکز فرماندهی و کنترل کل اقدامات جاسوسی رژیم، در اربیل عراق قرار دارد؛ این مرکز در عین رصد اقدامات امنیتی و نظامی ایران، اقدامات اقتصادی و راه های دور زدن تحریم توسط نظام را هم رصد کرده و با استفاده از منابع محلی و داخلی، نسبت به راه های جدید برای تحریم های اقتصادی مردم ایران، اقداماتی را انجام می دهد (Rodgers, 2024: 5-7).

اما مهم ترین بعدی که رژیم صهیونیستی به منظور ایجاد مشکلات امنیتی در اربیل علیه تهران انجام داده است، تربیت نیروها و آموزش جاسوس هایی است که در اقصی نقاط جهان تجهیز و به داخل ایران ارسال می کند تا مراکز مهم و حساس را منهدم کند. اخیرا بر اساس اعلام اخبار منابع امنیتی جمهوری اسلامی ایران تیمی از نیروهای مخرب و معارض که مورد آموزش رژیم صهیونیستی در آفریقا بوده اند، به منظور منهدم کردن کارخانه ای در اصفهان که یکی از مهم ترین مراکز حساس تهران به شمار می رود، به داخل ایران فرستاده شده که با رصدهای اطلاعاتی و امنیتی نیروهای ایرانی شناسایی و دستگیر شده اند. آنچه که در

اعترافات آن‌ها قابل رویت و مشاهده بود رژیم صهیونیستی از طریق ایجاد روابط حسنه با نیروهای تجزیه طلب کومله، و همکاری با رهبران آن‌ها، تیمی را انتخاب و به منظور انجام فعالیت و ماموریت مورد نظر آماده کرده بود.

این مسئله باعث شد که مقامات سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران حساسیت بیشتری نسبت به اقلیم کردستان عراق و روابط آن با رژیم صهیونیستی داشته باشند. و به نوعی نارضایتی خود را بیان کردند که یک قدم قدرتمندی به منظور واگرایی تهران اربیل توسط تلاویو برداشته شد. جمهوری اسلامی ایران نیز در مقابل این تهدیدهای امنیتی یاد شده، تهدید کرد که یک حمله زمینی برون مرزی به اقلیم کردستان عراق علیه گروه‌های مخالف کورد ایرانی انجام خواهد داد. این تهدیدها به دنبال حملات شدید توپخانه، هواپیماهای بدون سرنشین و موشکی علیه این گروه‌ها در سراسر منطقه خودمختار بود (Iddon, 2022: 5-7).

یک مقام ارشد کرد عراقی در مورد ایجاد تنش بین تهران و اربیل که در نتیجه توسعه فعالیت رژیم صهیونیستی در این منطقه ایجاد شده است بیان کرده که، «ایران نیروها را در نزدیکی اقلیم کردستان مستقر کرده است و از طریق هیئتی از مقامات نظامی عراق، به دولت اقلیم کردستان پیامی فرستاده است که در صورت ادامه فعالیت‌های امنیتی و نظامی تلاویو از طریق خاک اقلیم کردستان عراق عملیات زمینی و هوایی به این منطقه انجام خواهد داد». این مسئله باعث شد که مقامات اربیل عراق نیز نارضایتی خود را در مقابل این اقدامات جمهوری اسلامی ایران بیان کنند و باعث شود که، روابط طرفین به سمت تنش و واگرایی سوق پیدا کند (Bajec, 2024: 3-5).

در این مورد ذکر این مسئله لازم به نظر می‌رسد که، دولت اقلیم کردستان از چند جهت برای منافع ایالات متحده و رژیم صهیونیستی به منظور مدیریت و جلوگیری از نفوذ هر چه بیشتر جمهوری اسلامی ایران مهم است. نیروهای پیشمرگه آن شرکای کلیدی در مبارزه با دولت اسلامی و دیگر گروه‌های افراطی هستند و برای تلاش‌های ضد تروریسم غرب در عراق و سوریه بسیار مهم هستند. این منطقه از لحاظ تاریخی حائلی در برابر آشوب در سایر استان‌های عراق بوده است و پناهگاهی امن برای نزدیک به ۱ میلیون آواره داخلی و پناهنده فراهم می‌کند و همچنین مانع از نفوذ گروه‌های شبه نظامی شبه نظامی تحت حمایت محور مقاومت می‌شود که مسئول انجام ماموریت جلوگیری از افزایش تحریکات رژیم صهیونیستی در عراق و سوریه هستند (احمدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۸۸۷-۱۸۸۵). این مهم باعث می‌شود که اقلیم کردستان عراق بیش از محور مقاومت به سمت غرب و رژیم صهیونیستی تمایل به همکاری داشته باشند و خود را از بدنه محور مقاومت به عنوان جزئی از عراق متحدف جدا کنند. تهران نیز در مقابل این اقدام دولت مرکزی عراق را حمایت کرده و برای جلوگیری از عملی شدن ایجاد تنش و تفرقه در مناطق مرزی خود، تلاش دارد کنترل نیروهای نظامی عراق و بغداد را در اقلیم کردستان عراق توسعه داده و آن‌ها را برای خروج رژیم صهیونیستی و آمریکا آماده سازی کند (Alaaldin, 2023: 3-12).

۲-۲- راهبرد رژیم صهیونیستی در ظهور مجدد داعش و همکاری اربیل-تهران

دولت آمریکا و همچنین متحد کلیدی آن یعنی رژیم اشغال گر قدس در توجیه نفوذ خود در اقلیم کردستان عراق، بیان می‌کنند که در صورت نبود آن‌ها داعش در عراق به مانند سال ۲۰۱۴ فعالیت خود را توسعه خواهد داد. اما باید به این مسئله اشاره کنیم که رژیم صهیونیستی به حضور خود در اقلیم کردستان عراق از داعش به عنوان یک اهرم فشار بر دولت مرکزی و ایران همیشه استفاده کرده و پایگاه نظامی خود را در اربیل مستقر نموده است (اسدی‌فر و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۳-۶۴). تهران نیز از مقامات اربیل درخواست کرده است (یزدان‌پناه دور و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۳-۳۹). که این موضوع را مدیریت و زمینه‌های خروج رژیم تلاویو از اقلیم را فراهم کرده و با بسیج نیروهای مردمی خود ریشه افراط گری و داعش در عراق را ساقط کند. اما آنچه در رویکرد مقامات اقلیم کردستان تا به امروز قابل مشاهده بود خلاف نظر تهران و مقامات جمهوری اسلامی ایران بوده و حتی سیستم‌های امنیتی و نظامی آمریکا و اسرائیل در این منطقه روبه افزایش بوده است (Smith, & et al: 2022: 5).

رژیم صهیونیستی به همراه دول غربی به دلیل حمایت از تروریست‌های تکفیری داعش و سایر افراطیون مذهبی در ادوار مختلف و به ویژه جنگ عراق و سوریه، در زمان استقلال طلبی و فرارندم اربیل، از این منطقه به صورت آشکار حمایت نکرد اما با ایجاد ائتلاف بین رژیم صهیونیستی و اقلیم کردستان عراق در صدد برآمد که کردهای عراق را از این کشور جدا و به آن‌ها استقلال دهد. چرا که بعد از ترور سردار سلیمانی ارتش عراق و بسیج مردمی این کشور به صورت سیستماتیک خواهان خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق به ویژه در اربیل بودند. بنابراین حمایت از استقلال این منطقه باعث می‌شود که این رویکرد تغییر کند و آمریکا به صورت مستقل با اربیل ارتباط همه جانبه داشته باشد و دیگر تحت نظر دولت مرکزی بغداد نباشد (karimi & gambrel, 2024: 3-8).

ایران نیز در مقابل این رویکرد یاد شده مصمم شده است که نیروهای آمریکایی را از کردستان و عراق به طور کلی اخراج کند، زیرا حضور ایالات متحده محدودیت‌هایی را بر نفوذ محور مقاومت و یکپارچگی عراق اعمال می‌کند. به همین منظور با توسعه فعالیت‌های رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق جمهوری اسلامی ایران در ۱۵ ژانویه ۲۰۲۴ یک حمله موشکی بالستیک به اربیل را انجام داد که ظاهراً یک پایگاه اسرائیلی را هدف قرار داد. چرا که این پایگاه مسئول مدیریت و توسعه فعالیت‌های ضد شیعی محور مقاومت بوده است. نیروهای داعش و فرماندهانی که در عراق از سال ۲۰۱۴ و فتح موصول توسط این پایگاه رژیم صهیونیستی مورد حمایت تلاویو و غرب بوده تا از روی کار آمدن دولتی همخوان با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عراق جلوگیری کنند (Alaaldin, 2024: 6-12).

بر اساس گزارشات میدانی که در زمان جنگ داعش گرفته شده است، غرب و رژیم صهیونیستی به عدم همکاری با مقامات اربیل این سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی خود را به عنوان اهرم فشاری برای اقلیم کردستان عراق قرار دادند که در صورت عدم همکاری مقامات اربیل با آن‌ها، از داعش به عنوان یک نیروی مخرب علیه آن‌ها استفاده خواهند کرد و مقامات اربیل نیز به صراحت به این مسئله اشاره کرده اند که در زمان فتح موصول دول غربی و تلاویو عدم همکاری خود را با این منطقه اعلام نمودند. اما امروزه نیز همچنان نیروهای داعش و فرماندهان باقی مانده آن با سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی موجود در اربیل عراق همکاری کرده و در صورت لزوم بتوانند با محور مقاومت مجدداً وارد فاز عملیاتی شوند (Bajec, 2024: 2-7).

این مسئله باعث ایجاد نوعی واگرایی در روابط بین اربیل و تهران شده است. در مقابل جمهوری اسلامی ایران با همکاری دولت مرکزی عراق با کنترل بر قوه قضاییه به صدور احکامی تلاش کردند که صادرات نفت مستقل کردها از طریق ترکیه را غیرقانونی اعلام کنند. در نتیجه صادرات نفت کردستان متوقف شده و اقتصاد کردستان را که مکان امن برای نیروهای تروریستی رژیم صهیونیستی که از طریق تکنولوژی و رسانه داعش را فریز کرده اند را مسدود و ساقط نمایند و هدف از این کار، وادار کردن اقلیم کردستان به سمت دولت مرکزی آنچه که در قانون اساسی به عنوان عراق یکپارچه از آن یاد کرده اند، است. و محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی را قادر می‌سازد تا نفوذ خود را در تنها بخشی از عراق که خارج از سیاست‌های منطقه‌ای آن باقی مانده است، گسترش دهند.

۳- اعتراضات در ایران و سیاست رژیم صهیونیستی در قبال آن

تلاویو بعد از ایجاد تظاهرات و تنش‌های داخلی در ایران، تلاش داشت که آمریکا را با خود در راستای حمله نظامی و یا حتی تغییر نظام در تهران همراه کند. اما با علم به این موضوع که بایدن با این حجم از حملات تلاویو در زمان تظاهرات مخالف است، تلاش کرد که خود ابتکار عمل را به وسیله سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی نزدیک به مرزهای ایران از جمله ازبایجان و اربیل به دست بگیرد. به همین منظور به "پشرو دیزایی"، مسئول عملیات ترور و پهبادی موساد در اقلیم کردستان عراق دستور دارد که چند اقدام مهم در مان تظاهرات های ایران به منظور توسعه تنش‌ها در این کشور انجام دهد. که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۳-۱- ایجاد اعتصاب

در عین حال، پیشرو دیزایی به نیروهای نفوذی خود در ایران اعلام کرد که، باید یک صندوق اعتصاب کارگری برای حمایت از اعتصاب‌کنندگان و تظاهرکنندگانی فعالیت قابل توجهی علیه جمهوری اسلامی ایران دارند، ایجاد شود. چرا که اعتصابات گسترده به سرنگونی شاه در دهه ۱۹۷۰ کمک کرد و آغاز اعتصابات در بخش‌های کلیدی ایران، جمهوری اسلامی ایران را متزلزل خواهد کرد. نهاد امنیتی اسرائیل باید یک کمپین پایدار را رهبری کند که صنایع کلیدی را هدف قرار دهد و در عین حال از ده‌ها هزار دانش‌آموز و معلم که اعتراضات بومی و داخلی خود را مسالمت آمیز به دولت خود اعلام کردند به صورت خشونت آمیز در آوردند و از آن‌ها حمایت کند. بدون شک کشورهایی در معرض قدرت نظامی و نفوذ تهران خواهند بود که از مشارکت در تامین مالی صندوق‌های اعتصاب خوشحال خواهند شد. با نرخ پایین تبدیل ریال به دلار، هزینه حمایت از هزاران کارگر اعتصابی کم خواهد بود. این به معنای برهم زدن نظام اقتصادی و اجتماعی که آقای دیزایی جاسوس با سابقه اسرائیل در اقلیم کردستان عراق در صدد آن بود (Dubowitz, 2022: 1-6).

۳-۲- معرفی اسامی افرادی که نقش مهم در مبارزه با رژیم اشغال‌گر قدس دارند به عنوان سرکوبگر مردم

اسرائیل از طریق سرویس‌های اطلاعاتی خود باید اطلاعات اعضای نیروهای امنیتی مسئول محور مقاومت که در هر کشوری مجرمانه به شمار می‌آیند و با تلاویو در میدان‌های متعدد مبارزه کرده و باعث شکست رژیم اشغال‌گر قدس شده‌اند را به عنوان افرادی که مردم را سرکوب می‌کنند افشا کند. تا از این طریق به وسیله رسانه و مطبوعات خود آن‌ها را به شکل سلیقه‌ای تروریست بنامد و مشروعیت داخلی و خارجی آن‌ها را کاهش دهد. همچنین مدارک خودساخته مبنی بر قتل خانم "مهسا امینی" توسط نیروهای نظامی ایران به وجود کذب محض (چرا که تشنج قبلی باعث مرگ آن شده بود)، تنش در ایران را توسعه داد. و تصاویر ضرب و شتم نیروهای نفوذی خود با جنسیت‌های مختلف که توسط نیروهای نظامی ایران دستگیر شدند با به عنوان تصاویر مردم ایران پخش کرد (Moussa, 2022: 5-10).

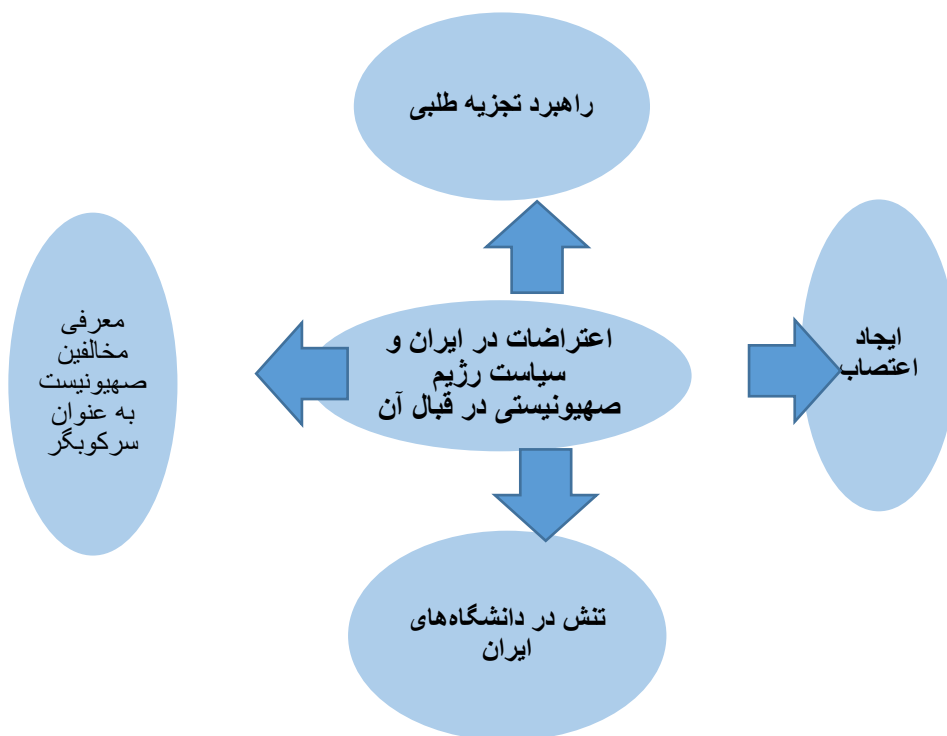
۳-۳- تنش در دانشگاه‌های ایران

دیزایی مستقر در اربیل به وسیله نفوذی‌های خود که عمدتاً از نیروهای تروریستی و تجزیه طلب مناطق مرزی ایران هستند، به سکوهای آموزش از راه دور در دانشگاه‌ها نفوذ کردند، زمانی که تحصیل در دانشگاه‌ها به دلیل تظاهرات ممنوع شد، و از آنها برای آموزش دانشجویان برای فرار از سرویس‌های امنیتی ایران و افزایش تظاهرات استفاده کردند. بر اساس این آموزش، اسرائیل باید مطالبی را در مورد چگونگی سازماندهی بهتر ایرانیان در گروه‌های کوچک در هر محله، انتشار اطلاعات در مورد تحرکات نیروهای امنیتی، و اختلال در سیستم‌های فرماندهی و کنترل، قابلیت‌های لجستیکی و نظارتی ارائه دهد (Dubowitz, 2022: 1-6).

۴- روابط رژیم صهیونیستی و راهبرد تجزیه طلبی

در مورد حمایت رژیم صهیونیستی از استقلال کردستان عراق در ادوار مختلف به ویژه سال ۲۰۱۷ که این منطقه اقدام به برگزاری همه‌پرسی استقلال طلبی کرد، مئیر جاودانفر استاد دانشگاه هرتزلیا در اسرائیل بیان کرد که: "برای اسرائیل بسیار مهم است که یک کشور غیرعرب دیگر در منطقه تأسیس شود. ما نقاط مشترک زیادی با کردها داریم. ما در این منطقه اقلیت غیرعرب هستیم که زیر حملات کشورهای عرب در این چند سال و چند دهه اخیر بودیم. ما می‌دانیم که برخی کشورهای عرب منطقه که حامی جمهوری اسلامی ایران هستند با استقلال کردستان مخالف‌اند. اگر کردستان در این همه‌پرسی رأی مثبت دهد، به نفع اسرائیل خواهد بود، چون به ضرر جمهوری اسلامی خواهد بود. و در عین حال اسرائیل می‌تواند یک شریک اقتصادی جدید و یک شریک سیاسی جدید در یک منطقه حساس خاورمیانه پیدا کند" (Namdar, 2023: 3).

بنابراین راهبرد رژیم صهیونیستی در منطقه اقلیم کردستان بعد از بهار عربی تجمیع گروهک های معاند و حمایت مالی، سیاسی و... از آنها بوده است؛ در بحث حمایت رژیم صهیونیستی از گروه های معاند و تجزیه طلب کرد و خاورمیانه ذکر این مسئله لازم به نظر می رسد که تلاویو حمایت های خود را از این گروه ها در کشورهای عضو محور مقاومت به ویژه ایران-سوریه-عراق به شکل یکنواخت بیش از هر زمان دیگر به منظور تضعیف محور یاد شده و تجزیه این کشورها بوده و آن را توسعه داده است. به عنوان مثال، اسرائیل از ایالات متحده بعد از حمله ترکیه به گروه تروریستی پ ک ک در شمال سوریه و وابسته های آن، درخواست کرد که از عملیات نظامی جدید ترکیه در شمال سوریه جلوگیری کند، این اقدام نشان داد که اسرائیل مانند روسیه، ایران و ترکیه نیز منافع خاص خود را در شمال سوریه دارد. نه برای تامین امنیت پایگاه های نظامی یا مبارزه با عناصر ایرانی یا سوری در منطقه، بلکه برای حمایت یا حداقل دفاع از گروهی از شبه نظامیان مسلح که برای تشکیل یک دولت کرد مستقل و مجزا می جنگند (Hussein, 2022: 2-6).



۵- نتیجه

عمق و قدمت روابط سری میان دولت اقلیم کردستان عراق و رژیم صهیونیستی به ویژه سرویس های جاسوسی این رژیم دیگر بر کسی پوشیده نیست و همکاری مشترک آنها حول محور همکاری نظامی، امنیتی و اقتصادی است. مبنایی که این روابط بر اساس آن شکل گرفت این دیدگاه بود که «دشمن دشمن من، دوست من است»، چراکه منافع اسرائیل در آن زمان مستلزم تضعیف عراق برای اطمینان از ناتوانی آن در حمله به اسرائیل، شکستن انزوای منطقه ای و شکل دادن روابط رژیم ها و کشورهای غیر عربی در منطقه با اسرائیل و همچنین کمک به تلاش های تل آویو برای خارج کردن یهودیان عرب از عراق بود. به همین منظور برای رسیدن به این مهم باید ابتدا تنش با جمهوری اسلامی ایران را توسعه داده و زمینه های تضعیف این کشور را به عنوان رهبر محور مقاومت فراهم کند. در راستای این راهبرد سیاست خارجی، ضمن تایید فرضیه یاد شده، جمهوری اسلامی ایران دیدگاه منفی با توجه به فعالیت های تلاویو و سرویس های جاسوسی و امنیتی آن نسبت به اقلیم کردستان عراق پیدا کرد که باعث واگرایی قابل توجهی برای طرفین شد. چرا که رویکرد این رژیم در قبال تضعیف کشورهای محور مقاومت در ادوار گذشته به خوبی قابل رویت است. برای مثال اسرائیل اولین رژیم در جهان بود که استقلال کردستان را در ۹ سپتامبر ۲۰۱۷ تایید کرد. قبل از همه پرسی، اسرائیل تنها نیروی بزرگ جهانی بود که از استقلال اقوام مختلف در خاورمیانه حمایت می کرد. همچنین در گزارش های مربوط به آن دوران آمده است که بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر فعلی اسرائیل، رهبران جهان را برای

حمایت از همه پرسی کردستان تحت فشار قرار داده است. هنگامی که نیروهای عراقی و حشدالشعبی برای دفع حملات کردها به مردم کرکوک، از این شهر دفاع کردند، نتایهو از نیروهای کرد حمایت کرد و از سران اروپایی و غربی خواست تا از بروز هرگونه شکست برای کردهای عراق جلوگیری کنند. در جریان راهپیمایی‌های استقلال طلبانه در اربیل، پایتخت اقلیم کردستان، برخی مردم کرد علناً با به اهتزاز درآوردن پرچم رژیم صهیونیستی و سردادن شعارهایی قدردانی خود را از حمایت اسرائیل اعلام کردند. این مسئله واگرایی بین اربیل و ایران و حتی دولت مرکزی عراق را بیش از هر زمان دیگر توقیت کرد و روند همگرایی آن به سردی گرایید.

منابع

- ترابی قاسم (۱۳۸۴). «موازنه تهدید: موازنه قوا یا اتحاد با طرف تهدید کننده»، ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال هفتم، شماره ۷۴.
- دهقانی فیروزآبادی جلال (۱۳۹۱). «نواقع گرای و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم، ش ۱، بهار.
- رکابیان، رشید و خندان، سیروس و زارعی، فاطمه، (۱۴۰۳) روابط رژیم صهیونیستی با اقلیم کردستان عراق و چالش‌های پیش‌روی محور ایران، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۶۱ دوره ۱۶ شماره ۴
- سازمند بهاره و دیگران (۱۳۸۹). «نظریه موازنه قدرت التز: نقد و بررسی کارآمدی آن در عصر حاضر»، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره ۴.
- عباسی مجیدی و رضا قیاسی (۱۳۹۲). «راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی موازنه تهدید»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هفتم، شماره ۱.
- لیتل ریچارد (۱۳۸۹). «تحول در نظریه‌های موازنه قوا»، ترجمه غلامعلی چگنی‌زاده، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- هدایتی شهیدانی مهدی و سجاد کلارده مرادی (۱۳۹۵). «تبیین سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال تروریسم تکفیری در عراق و سوریه»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۳۱، ص ۸۹-۱۱۴.
- یزدان‌پناه درو کیومرث و همکاران (۱۳۹۶). «تحلیلی بر ژئوپلیتیک اقلیم کردستان عراق بعد از فروپاشی داعش». نشریه جغرافیا، ۱۳۹۶، دوره ۱۵، شماره ۵۳، ص ۳۷-۵۷.
- اسدی فر محمد و همکاران (۱۴۰۱). «بررسی تهدیدات امنیتی اقلیم کردستان عراق بر کردستان ایران». فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی، دوره ۱۱، شماره ۴۲، ص: ۵۹-۸۱.
- احمدی حسین و همکاران (۱۴۰۱). «نقش بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای در استقلال کردستان عراق با تاکید بر نقش ایران، اسرائیل و آمریکا». مجله: جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دی ۱۴۰۱ - شماره ۲۶ ص: ۱۸۸۵ تا ۱۹۰۰.

- Alaaldin, R. (2023). "Iran Is Exploiting Divisions and U.S. Inaction in Iraqi Kurdistan". Available in: [https:// foreign policy. Com/2023 /09/ 29/iraq- iran- kurdistan- krg- puk- pmf-kdp](https://foreignpolicy.com/2023/09/29/iraq-iran-kurdistan-krp-puk-pmf-kdp). Accessed on: 29 SEPTEMBER 2023.
- Alaaldin, R. (2024). "The Popular Mobilization Force is turning Iraq into an Iranian client state". Available in: <https://www.brookings.edu/articles/the-popular-mobilization-force-is-turning-iraq-into-an-iranian-client-state>. Accessed on: 2 February 2024.
- Akhavan Kazemi, M., et.al. (2018). "Analysis of the relationship between Israel and Iraqi Kurdistan and its Security Consequences for the Islamic Republic of Iran". *Research Journal of the Islamic Revolution*, 8(27), 19-40. (In Persian).
- Bahrani, W. (2024). "For regional security, Zionist presence in Erbil and US occupation of Iraq must end". Available in: [https:// www. presstv. Ir/ Detail/ 2024/ 01/ 22/ 718684/](https://www.presstv.ir/Detail/2024/01/22/718684/)

- regional- security-zionist-presence-erbil-us-occupation-iraq-end. Accessed on: 22 January 2024.
- Bahrani, W. (2024). "For regional security, Zionist presence in Erbil and US occupation of Iraq must end". Available in: <https://www.presstv.ir/Detail/2024/01/22/718684/regional-security-zionist-presence-erbil-us-occupation-iraq-end>. Accessed on: 22 January 2024.
- Bajec, A. (2024). "The double discrimination faced by Kurdish women in Iran". Available in: <https://www.newarab.com/analysis/double-discrimination-faced-kurdish-women-iran>. Accessed on: 06 October 2024. Available in: <https://www.newsweek.com/israel-has-role-play-helping-irans-protesters-opinion-1759482>. Accessed on: 15 Nov 2022.
- Dubowitz, M. (2022). "Israel Has a Role to Play in Helping Iran's Protesters Opinion.
- Giglio, M. (2018). "*The Trump White House Says ISIS Has Been Defeated In Iraq. The Data Says Otherwise*". Available in: <https://www.buzzfeednews.com/article/mikegiglio/trump-isis-iraq-defeat-attacks>. Accessed on: 31 October 2018.
- Hafezi, P., & Azhari, T. (2024). "*Iran says Revolutionary Guards attack Israel's 'spy HQ' in Iraq, vow more revenge*". Available in: <https://www.reuters.com/world/middle-east/irans-revolutionary-guards-say-they-have-attacked-espionage-centers-iraqs-erbil-2024-01-15>. Accessed on: 16 January 2024.
- Hussein, M. (2022). "Israel will use the Kurds as a tool, yet Turkiye still normalized relations". Available in: <https://www.middleeastmonitor.com/20220811-israel-will-use-the-kurds-as-a-tool-yet-turkiye-still-normalised-relations>. Accessed on: 11 August 2022.
- Iddon, P. (2022). "*Why Iran is threatening a ground operation into Iraqi Kurdistan*". Available in: <https://www.newarab.com/analysis/why-iran-threatening-invade-iraqi-kurdistan>. Accessed on: 18 October 2022.
- Mearsheimer, J. J. (2001). *The Tragedy of Great Power Politics*, New York: Norton.
- Moussa, E. (2022). "Israel's support for Iran protests is more than hypocritical". Available in: <https://www.newarab.com/opinion/israels-support-iran-protests-more-hypocritical>. Accessed on: 27 Oct 2022.
- Porter, L. (2023). "Islamic Resistance in Iraq appears to be responsible for attacks in the country, and there's no end in sight". Available in: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/islamic-resistance-in-iraq-israel-hamas>. Access date: 22 November 2023.
- Rodgers, W. (2024). "The Vision Behind the US Consulate in Erbil Is Dissolving. A year after American diplomats were supposed to move in, it is no longer clear that the complex will serve its original purpose". Available in: <https://newlinesmag.com/reportage/the-vision-behind-the-us-consulate-in-erbil-is-dissolving>. Accessed on: 15 February 2024.
- Smith, A. (2022). "Iran's violent crackdown against protesters escalates in parts of the country". Available in: <https://www.nbcnews.com/news/world/iran-protests-mahsa-amini-crackdown-kurdistan-government-forces-shoot-rcna58496>. Accessed on: Nov. 16, 2022.
- Waltz, K. H. (1979). *Theory of International Politics*, New York: Random House.
- Walt, S. M. (1988). Testing Theories of Alliance Formation: The Case of Southwest Asia, *International Organization*, Vol. 42, No. 2.
- Walt, S. (1987). *The Origins of Alliance*, Ithaca: Cornell University Press.
- Walt, M. S. (1986) "*Alliance: Balancing and Bandwagoning*", in Stephan M. Walt (Eds). *The Origins of Alliances*, Cornell University Press.